

طبقه‌بندی علوم

از دیدگاه صدرالمتألهین و امام خمینی (ره)

نجف لک‌زایی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

هرگونه اقدام در جهت طراحی نقشه علم در جمهوری اسلامی ایران از یکسو مستلزم بازگشت به مبانی اسلامی در ساحت طبقه‌بندی علوم و از سوی دیگر تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. در مقاله حاضر سعی کرده‌ایم در یک بررسی تطبیقی دیدگاه دو تن از بزرگان حکمت متعالیه را درباره این موضوع، مورد بررسی قرار دهیم. ملاصدرا تمام علوم و معارف را در شبکه و منظومه‌یی خاص (دینی و الهی) میبیند و برین اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم میدانند. طبقه‌بندی علوم از نظر حضرت امام مبتنی بر انسانشناسی ویژه ایشان است. از نظر امام انسان بطور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است و کلیه علوم نافع به این سه برمیگردد، یعنی علمی که مربوط به کمالات عقلیه و وظایف روحیه است، علمی که مربوط به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که مربوط به اعمال قالبی و وظایف نشئه ظاهری نفس است. بنظر حضرت امام علوم دیگر داخل در یکی از این اقسامند.

کلیدواژگان

طبقه‌بندی علوم

علوم اخروی

علوم نافع

علوم غیرنافع

علوم دنیوی

نقشه علمی ایران

مقدمه

یکی از مباحثی که امروز در جامعه علمی کشور ما مطرح است، مباحث مربوط به طراحی و تدوین نقشه علمی کشور است. بنظر میرسد هرگونه اقدام در این جهت از یکسو مستلزم بازگشت به مبانی اسلامی در حوزه طبقه‌بندی علوم و از سوی دیگر تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. نقد دیدگاه‌های فلسفی مطرح در ساحت طبقه‌بندی علوم و ارائه طبقه‌بندی علوم مبتنی بر فلسفه اسلامی از دیگر ضرورت‌های پیشروست. در مقاله حاضر سعی شده است در یک بررسی تطبیقی دیدگاه دو تن از بزرگان حکمت متعالیه، بعنوان پرتفردترین مکتب فلسفی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه طبقه‌بندی علوم

طبقه‌بندی علوم که در جهان اسلام با کندی و سپس فارابی آغاز شد، ریشه در طبقه‌بندی دانش نزد ارسطو دارد. ارسطو علوم را به علوم نظری و عملی و بنابر قول دقیقتر، به علوم نظری، عملی و فنی (یا شعری) تقسیم

می‌کند.^۱ از دیدگاه ارسطو غایت علوم نظری، معرفت برای معرفت است و اقسام آن عبارتند از علم الهی یا مابعدالطبیعه، ریاضیات و اقسام آن، طبیعیات و اقسام آن. از نظر ارسطو علوم عملی در عرض علوم نظری قرار می‌گیرند و سه قسمند: اخلاق، تدبیر منزل و سیاست. غایت علوم شعری تدبیر اقوال انسان است و به سه قسم تقسیم می‌شوند: شعر، خطابه و جدل.^۲ در میان فیلسوفان مسلمان مشهورترین اثر در طبقه‌بندی علوم را فارابی ارائه کرده است.^۳ نزد اخوان الصفا، علوم به دو دسته صنایع علمی و صنایع عملی تقسیم می‌شود.^۴ ابن مسکویه و ابن سینا نیز همانند فارابی حکمت را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌کنند و نکته تازه‌ی در طبقه‌بندی آنها دیده نمی‌شود.

از نگاه غزالی علوم دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند: علوم معامله و علوم مکاشفه. مقصود از دسته اول، علوم است که پس از معرفت به عمل تبدیل می‌شوند. با توجه به اینکه انسان از دو بعد ظاهر و باطن تشکیل می‌شود، علوم به دو دسته ظواهر (جوارح) و بواطن (دل) تقسیم می‌شوند. علم ظواهر به عبادات و عادات و علم بواطن به منجیات و مهلکات قابل تقسیم است. تقسیم‌بندی کتاب احیاء علوم الدین بر همین اساس انجام شده است.^۵ همچنین غزالی علوم را برحسب جایگاه یافته‌ها به اصول، فروع، مقدمات و مهمات تقسیم می‌کند. از نظر وی فقه علمی فرعی و متعلق به مصالح دنیاست. در این قسمت، چنانکه در ادامه بحث خواهد شد، امام خمینی (ره) دیدگاه ایشان را نقد کرده است. از دیدگاه غزالی علم کلام صرفاً جهت حفظ عقیده اهل سنت مفید است و فایده خاص دیگری ندارد.^۶ باید گفت موضع غزالی در قبال فلسفه انتقادی و حذفی است.^۷

خواجه نصیرالدین علوم را برحسب تحصیل سعادات تقسیم می‌کند: علم سعادات نفسانی شامل علم تهذیب اخلاق، منطق، ریاضی، علم طبیعی و علم الهی؛ علم سعادات بدنی شامل علم طب و نجوم؛ علم سعادات مدنی مانند شریعت، فقه، کلام و اخبار و تنزیل، ادب و بلاغت، نحو و نویسندگی، حساب و مساحت و نظایر آن.^۸

ابن خلدون دانش را ابتدا به دو نوع طبیعی (امکان راهیابی به یاری اندیشه در آن وجود دارد) و نقلی (انسان آن را از کسانی که وضع کرده‌اند فرا می‌گیرد) تقسیم می‌کند. گونه نخستین عبارت از حکمت و مسائل فلسفی است که انسان می‌تواند برحسب طبیعت اندیشه خود به آنها پی برد.

در علوم نقلی از عقل کاری جز پیوند دادن فروع آنها به اصول بر نمی‌آید. علوم نقلی شامل لغت و نحو، فقه و اصول فقه، کلام، تفسیر و مانند آن می‌شوند و اصالتاً از دانشهای شرعی هستند.^۹

۱. ر.ک. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۴۲۹-۴۳۰.
۲. حقیقت، صادق، «طبقه‌بندی دانش سیاسی در جهان اسلام با تأکید بر دوره میانه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۳۸۳.
۳. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، احیاء العلوم، ترجمه حسن خدیو جم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۴. حلبی، علی اصغر، گزیده متن رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، تهران، زوار، ۱۳۶۰، ص ۳۰-۳۱.
۵. غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۶. همو، مجموعه رسائل الامام الغزالی، بیروت، بیتا، ص ۵۴۲.
۷. همان، ص ۵۴۲-۵۴۶.
۸. طوسی، خواجه نصیر، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.
۹. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۸۸۳-۸۸۴.

■ در مقدمه کتاب شرح الهدایة الاثیریة ملاصدرا یادآوری میکند که چون دیدم جمعی از اهل علم به خواندن کتاب الهدایة حکیم اثیرالدین ابهری مشغول هستند، به شرح این رساله پرداختم. طبقه‌بندی علوم از نظر او با توجه به موضوع کتاب الهدایة که حکمت میباشد، شکل گرفته است.

بشری و سیاستهای انسانی یا مخصوص یک شخص است یا بیشتر از یک شخص؛ اگر مخصوص به یک شخص باشد، حکمتی است که توسط آن معیشت دنیوی فاضله و زندگی اخروی کامله انسان سامان میگیرد و چنین حکمتی علم اخلاق نامیده میشود و اما آنچه فراتر از یک شخص است و ضروری است که ترکیبی از افراد - که تشکیل‌دهنده اجتماع هستند - در آن حضور داشته باشند، خود بر دو بخش است: یا برحسب خانواده است یا برحسب نظام سیاسی (مدینه)؛ اولی حکمت منزلی، و دومی حکمت مدنی نامیده میشود. کسانی که در تقسیم مذکور به چهار دانش اشاره کرده‌اند، قسم دوم (حکمت مدنی) را دو بخش کرده‌اند؛ زیرا امور مربوط به مدینه تقسیم میشود به آنچه متعلق به مملکتداری و سلطنت است و آنچه متعلق به نبوت و شریعت است؛ اولی علم سیاست و دومی علم نوامیس نامیده میشود.^{۱۰}

۱۰. ر.ک. حقیقت، «طبقه‌بندی دانش سیاسی در جهان اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی.

۱۱. سلماسی، ابوعلی حسن، الرسالة الشرفیة فی تقاسیم العلوم الیقینیة، مقدمه و تصحیح حمیده نورانی نژاد و محمد کریمی زنجانی اصل، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۲. ملاصدرا، شرح رساله الاثیریة، چاپ سنگی، بیجا، بیتا، ص ۴-۵.

طبقه‌بندیهای مذکور از چشم محققان دور نبوده و کم و بیش درباره آنها بحث کرده‌اند^{۱۱} اما دیدگاه ملاصدرا و امام خمینی تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. از اینرو در ادامه این دو دیدگاه را مورد بررسی قرار میدهیم. یادآوری این مطلب لازم است که طبقه‌بندیهای دیگری نیز وجود دارد که درباره آنها بحث نشده و مباحثی از قبیل الگوها، علل، اصول و قواعد طبقه‌بندی در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. در اینباره رساله بسیار مهم ابوعلی سلماسی به نام الرسالة الشرفیة شایسته توجه است.^{۱۲}

طبقه‌بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین

ملاصدرا از وجوه مختلف چند تقسیم‌بندی از علوم ارائه نموده است که به آنها اشاره میشود. در مقدمه کتاب شرح الهدایة الاثیریة وی یادآوری میکند که چون دیدم جمعی از اهل علم به خواندن کتاب الهدایة حکیم اثیرالدین ابهری مشغول هستند، به شرح این رساله پرداختم. طبقه‌بندی علوم از نظر او با توجه به موضوع کتاب الهدایة که حکمت میباشد، شکل گرفته است. ملاصدرا حکمت را بر دو قسم نظری و عملی میداند و ضمن تعریف هر یک، به برتری حکمت نظری بر عملی حکم داده و اقسام هر یک از دو حکمت را ذکر میکند. از نظر وی اقسام حکمت نظری عبارتند از علم اعلی، طبیعی، منطق و ریاضی. حکمت عملی نیز سه قسم است: علم اخلاق، حکمت منزلی و حکمت مدنی. کتاب شرح الهدایة الاثیریة درباره اقسام حکمت عملی چنین میگوید:

اما حکمت عملی: آنچه موضوع آن نفس انسانی است از جهت اتصاف آن به اخلاق و ملکات نیز بر سه قسم است؛ زیرا تدبیرهای

سیاست و شریعت قرار میگیرد که برای معیشت فرد و اجتماع لازم است و سرانجام، علم طریقت که به کسب فضایل معنوی و اخلاقی و زدودن رذایل میپردازد. علم افکار و احوال عبارتست از علم برهان منطقی، علم ریاضی و علم هندسه که خود شامل علم نجوم و احکام نجوم میشود. علوم طبیعت شامل پزشکی و علمی است که به معدن و نبات و حیوان میپردازد. علوم اخروی که عقل عادی نمیتواند به آنها برسد و وحی و تهذیب نفس برای رسیدن به آنها لازم است، عبارتند از فرشته‌شناسی، شناخت جواهر غیرمادی، شناخت لوح محفوظ، شناخت قلم اعلی، شناخت مرگ و رستاخیز و سایر اموری که به زندگی اخروی مربوط است.^{۱۳} تقسیم‌بندی مذکور که اشراقی است، در جدول ذیل نمایش داده شده است.

تقسیم‌بندی مذکور که براساس مکتب مشاء است، در برخی از دیگر آثار وی همچون آغاز کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة نیز تکرار شده است اما ایشان در کتاب اکسیر العارفین از منظر حکمت اشراق دانشها را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم کرده است. علوم دنیوی سه نوع است: علم اقوال، علم اعمال و علم احوال یا افکار. علم اقوال مشتمل بر علوم الفبا، صرف، نحو، عروض، معانی، بیان و تعاریف منطقی اصطلاحات (حدود) است. علم اعمال شامل چیزهایی است که به اشیاء گوناگون مادی تعلق دارد و از آنها فنون بافندگی، کشاورزی و معماری پدید می‌آید. یک مرتبه بالاتر از آن، فن کتابت، علم حیل (مکانیک)، کیمیا و غیره قرار دارد. در مرتبه بعدی علمی از قبیل علم خانواده، حقوق،

جدول طبقات علوم و دانشها از نگاه صدرالمتألهین با رویکرد اشراقی

علوم اخروی	علوم دنیوی		
	علم افکار (احوال)	علم افعال	علم اقوال
فرشته شناسی	برهان منطقی	فنون	الفبا
شناخت جواهر غیرمادی	ریاضی	بافندگی	صرف
شناخت لوح محفوظ	هندسه	کشاورزی	نحو
شناخت قلم	طبیعی	معماری	عروض
شناخت مرگ و رستاخیز	پزشکی	کتابت	معانی
و ...	معدن	حیل (مکانیک)	بیان
	نبات	کیمیا	تعاریف
	حیوان	معیشت	
		خانواده	
		حقوق	
		سیاست	
		شریعت	

۱۳. نصر، سید حسین، «صدرالدین شیرازی» در تاریخ فلسفه در اسلام، باهتمام م.م. شریف، ترجمه زیر نظر نصرالله پورجوادی،

تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۱.

ملاصدرا در کتاب کسر اصنام الجاهلیة علوم را قسیم احوال و کردارها قرار داده است. وی در این رساله چنین می‌آورد که حرکات و کردار در خدمت صفات و احوال بوده و صفات و احوال در خدمت علوم هستند؛ در حالی که بنظر وی، کوته‌اندیشان علوم را مقدمه احوال و احوال را مقدمه کردار میدانند. وی سپس علوم را به دو دسته علوم مکاشفات و معاملات تقسیم کرده است.^{۱۴} در این تقسیم‌بندی تأثرویی از غزالی مشهود است.

در کتاب المظاهر الالهية که طبق بررسیها از آخرین تألیفات ملاصدرا بحساب می‌آید، یک دوره حکمت متعالیه، عرشیه و قدسیه باختصار آمده است. این کتاب از بهترین کارهای ملاصدرا شمرده شده است.^{۱۵} پیش‌فرض ملاصدرا در این کتاب، آنگونه که خود در مقدمه کتاب تصریح کرده، اینست که غایت و هدف حکمت و قرآن کریم، آموختن راه سفر و سیر تکاملی بسوی آخرت و وصول به خداوند ذی‌الکمال است. بر همین اساس، بنظر ملاصدرا این سفر شش مرحله دارد که سه مرحله اول اصلی و سه مرحله دوم فرعی بوده و عبارتند از:

۱- خداشناسی بمنزله هدفشناسی (معرفه الحق الأول)؛

۲- شناخت مراحل و منازل سفر بمنزله راهشناسی (معرفه الصراط المستقیم)؛

۳- معادشناسی بمنزله شناخت مقصد نهایی و پایان سفر (معرفه المعاد)؛

۴- رهبرشناسی (معرفه المبعوثین من عندالله لدعوة الخلق و نجات النفوس؛ و هم قوادسفر الاخرة و رؤساء القوافل)؛

۵- باطل‌شناسی و نقد و هدایت آنها (حکایت احوال الجاحدین و کشف فضائهم و تصفیة عقولهم فی ضلالتهم؛ و المقصود فيه التحذیر عن طریق

الباطل)؛

۶- تنظیم امور دنیا بنحوی که انسان را به خدا برساند. (تعلیم عمارة المنازل و المراحل الی الله و العبودية و كيفية اخذ الزاد و الراحلة لسفر الاخرة و الاستعداد بريضة المركب و علف الدابة).

مرحله ششم که در حوزه حکمت عملی قرار می‌گیرد خود بر سه قسم است:

۱- خودسازی و تربیت افراد که اخلاق نامیده میشود؛

۲- سازماندهی خانواده که هسته اصلی و تشکیل‌دهنده جامعه است و تدبیر منزل نام دارد؛

۳- اداره جامعه مدنی و سیاسی و نهادهای اجتماعی آن که فقه، حقوق و قوانین و مقررات کوچک و بزرگ دینی یا غیردینی در این بخش جا می‌گیرد و فلاسفه به آن علم سیاست می‌گویند.^{۱۶}

این طبقه‌بندی نسبت به طبقه‌بندی قبلی تفاوتهایی دارد. یکی از این تفاوتها به رویکرد آن برمیگردد که براساس حکمت متعالیه تنظیم شده است. تفاوت دیگر انسجام بیشتر آنست، هرچند ایشان آن را به نهایت نرسانده‌اند و این تکمیل و تتمیم توسط امام خمینی انجام شده است.

از آنچه گفته شد باین نتیجه میرسیم که ملاصدرا تمام علوم و معارف را در شبکه و منظومه‌یی خاص (دینی و الهی) میبیند و برین اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و

۱۴. ر.ک. ملاصدرا، عرفان و عارف‌نمایان (کسر اصنام الجاهلیه)، ترجمه محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۱، ص ۷۴-۷۵.

۱۵. همو، المظاهر الالهية فی اسرار العلوم الکمالية، تصحیح و تحقیق سید محمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۷۸، ص ۲۹۵.

۱۶. همان، ص ۱۴.

حکمت عملی مقدم میداند.^{۱۷}

۲- نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام

خیال؛

۳- نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت.

از نظر ایشان، برای هر یک از این مقامات، کمال خاص و تربیت و عمل مخصوصی است و انبیا(ع) آورنده آن اعمال هستند. از اینرو ایشان نتیجه میگیرند که تمام علوم نافع تقسیم میشود به سه علم: ۱- علمی که به کمالات عقلی و وظایف روحی مربوط است؛

۲- علمی که درباره اعمال قلبیه و وظایف آنست؛

۳- علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهری نفس است.^{۱۸}

علوم اسلامی

از نظر امام خمینی علوم اسلامی بانظر به سه نشئه مذکور، در سه شاخه قابل طبقه‌بندی است. علوم مربوط به نشئه اول عبارتند از علم به ذات مقدّس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال؛ علم به عوالم غیبیه از قبیل ملائکه و اصناف آن از اعلی مراتب جبروت و ملکوت اعلی تا ملائکه ارضیه و جنود حق؛ علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها؛ علم به کتب الهی و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح؛ علم به نشئه آخرت و کیفیت بازگشت موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفصیل آنها؛ و بالجمله علم به مبدأ وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن. متکفل این علوم پس از انبیا و اولیا(ع)، فلاسفه و حکما

۱۷. لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمآلهین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۶۰-۷۴.

۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲، حدیث ۱.

۱۹. امام خمینی، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۶.

طبقه‌بندی علوم از دیدگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در ذیل حدیث بیست و چهار در کتاب چهل حدیث، ضمن نقد دیدگاههای مذکور، به ارائه دیدگاه خویش پرداخته است. ابتدا دیدگاه ایشان را ذکر میکنیم و سپس نقد ایشان بر دیدگاه غزالی و صدرالمآلهین خواهد آمد. متن حدیثی که حضرت امام(ره) در طبقه‌بندی علوم از آن استفاده کرده‌اند بدین شرح است:

فرمود موسی بن جعفر(ع): رسول خدا(ص)

به مسجد داخل شد، ناگاه جماعتی را مشاهده فرمود که اطراف مردی دور میزنند.

فرمود: این کیست؟ گفته شد: علامه‌یی است.

فرمود: (معنی) علامه چیست؟ گفتند:

داناترین مردم است به نسبهای عرب و وقایع

آن و روزگار جاهلیت و اشعار عربی.

پیغمبر(ص) فرمود: این علمی است که از

جهل او ضرر و زیانی نمیرسد و از علم او سودی

حاصل نمیشود. علم همانا منحصر است به

سه چیز: آیه محکمه، یا فریضه عادلّه، یا سنّت

قائمه (نشانه استوار یا واجب راست یا سنّت

پابرجا) و غیر از اینها زیادت است.^{۱۸}

مبانی انسانشناختی طبقه‌بندی علوم

طبقه‌بندی علوم از نظر حضرت امام(ره) مبتنی بر

انسانشناسی ویژه ایشان است. از نظر حضرت امام(ره)

انسان بطور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب

سه مقام و عالم است:

۱- نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و

عقل؛

و اصحاب معرفت و عرفان هستند.^{۲۰}

علوم مربوط به نشئه دوم عبارتند از علم به منجیات و مهلکات خلقیه؛ یعنی علم به محاسن اخلاق، مثل صبر و شکر و حیا و تواضع و رضا و شجاعت و سخاوت و زهد و ورع و تقوا و دیگر محاسن اخلاق؛ علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها؛ علم به قبایح اخلاق از قبیل حسد و کبر و ریا و حقد و غش و حب ریاست و جاه و حب دنیا و نفس و غیر آن و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها. متکفل این علوم پس از انبیا و اوصیا (ع) علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارفند.^{۲۱}

علوم مربوط به نشئه سوم عبارتند از علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن که متکفل آن پس از انبیا و اوصیا (ع) علمای ظاهر و فقها و محدثان هستند.^{۲۲}

نگاه نظاممند به علوم

از نظر امام خمینی هر یک از مراتب سه گانه انسانی که ذکر شد، بطوری به هم مرتبط است که آثار هر یک به دیگری سرایت میکند؛ چه در جانب کمال و چه در طرف نقص. برای مثال اگر کسی قیام به وظایف عبادی و مناسک ظاهری بنماید - چنانکه باید و مطابق دستور انبیاست - خلُقش رو به نیکویی و عقایدش رو به کمال میگذارد. همینطور اگر کسی مواظب تهذیب خلُق و تحسین باطن شد در دو نشئه دیگر مؤثر واقع میشود؛ چنانکه کمال ایمان و عقاید در دو مقام دیگر تاثیر میگذارد و این از شدت ارتباطی است که بین این مقامات است. از نظر ایشان حتی تعبیر به «ارتباط» نیز از ضیق مجال و تنگی قافیه است بلکه باید گفت یک حقیقت است که دارای مظاهر مختلف است. از نظر ایشان وقتی اعمال قالبیه ناقص شود و مطابق دستورات انبیا

نگردد، احتجاجاتی در قلب و کدوراتی در روح حاصل میشود که مانع از نور ایمان و یقین میگردد و همینطور اگر اخلاق رذیله در قلب باشد، مانع از ورود نور ایمان در آن خواهد شد.^{۲۳}

پس از آنکه مشخص شد علمی که رسول اکرم (ص) ذکر فرمودند همین سه رشته است، باید بررسی شود که هر یک از این سه عنوان بر کدامیک از این علوم منطبق است. بنظر امام خمینی (ره) «آیه محکمه» عبارتست از علوم عقلیه و عقاید حقّه و معارف الهیه؛ «فریضه عادلّه» عبارتست از علم اخلاق و تصفیه قلوب و «سنت قائمه» عبارتست از علم ظاهر و علوم آداب قالبیه.

استدلال ایشان از این قرار است که کلمه «آیه» به معنی «نشانه» است و مناسب با علوم عقلی و اعتقادی است؛ زیرا این علوم نشانه‌های ذات و اسما و صفات و دیگر معارف میباشند و سابقه ندارد که در علوم دیگر به آیت یا نشانه تعبیر شود. مثلاً در کتاب الهی در موارد زیادی بعد از آنکه اقامه برهان بر وجود مقدس صانع یا بر اسماء و صفات آن ذات مقدس یا بر وجود قیامت و کیفیات آن و عالم غیب و برزخ میفرماید، در ادامه میفرماید: «این آیت یا آیات است برای متفکرین یا عقلا» و این تعبیر رایجی است نسبت به این علوم و معارف. چنانکه توصیف به «محکم» بودن نیز مناسب با این علوم است؛ زیرا این علوم تحت میزان عقلی و برهان محکم است؛ در حالی که سایر علوم را بحسب نوع، برهان محکم و استوار نیست.^{۲۴}

۲۰. همان، ص ۳۸۷.

۲۱. همانجا.

۲۲. همانجا.

۲۳. همان، ص ۳۸۸-۳۸۹.

۲۴. همان، ص ۳۹۱.

اما دلیل بر آنکه «فریضه عادل» راجع به علم اخلاق است، توصیف فریضه است به «عادل»؛ زیرا خلق حسن، خروج از حد افراط و تفریط است و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم و «عدالت» که حد وسط و «تعديل» بین آنهاست، نیکوست. پس «عادل» بودن فریضه دلالت کند بر آنکه آن منطبق بر علم اخلاق است. چنانکه «فریضه» بودن نیز خالی از اشعار نیست؛ زیرا «فریضه» در مقابل «سنت» آنست که عقل را راهی به ادراک آن باشد؛ چنانکه علم اخلاق، برخلاف سنت که راجع به تعبّد صرف است و عقول از درک آن عاجزند چنین است. بهمین جهت «سنت قائمه» راجع به علم تعبّدی و آداب شرعی است که تعبیر به «سنت» شده و عقول بحسب نوع، از ادراک آنها عاجزند و طریق اثبات و فهم آنها سنت است؛ چنانکه تعبیر و توصیف سنت به «قائمه» نیز مناسب با همان واجبات شرعی است؛ زیرا «اقامه» واجبات و برپا داشتن و «اقامه» صلوات و زکوات و غیر آن، تعبیر شایع صحیحی است و این کلمه در آن دو علم دیگر بکار برده نمیشود.^{۲۵}

جایگاه علوم دیگر در طبقه بندی علوم از دیدگاه امام خمینی (ره)

بنظر حضرت امام (ره) علوم دیگر داخل در یکی از اقسام سه گانه است. برای مثال علم طب و تشریح و نجوم و هیئت و امثال آن در صورتی که نظر آیت و علامت بسوی آنها داشته باشیم و علم تاریخ و امثال آن، در صورتی که با نظر عبرت به آنها مراجعه کنیم، در «آیه محکمه» داخل میشوند که بواسطه آنها علم به الله یا علم به معاد حاصل یا تقویت میشود. گاه میشود که تحصیل آنها داخل در «فریضه عادل» میشود و گاه ممکن است داخل در «سنت قائمه» شود اما اگر تحصیل آنها برای خود آنها یا استفاده دیگری باشد و ما را از علوم آخرت منصرف کردند، بواسطه این انصراف مذموم

بالعرض میشوند و گرنه ضرر و نفعی ندارند.

پس کلیه علوم تقسیم میشوند به سه قسمت: اول آنکه، نافع به حال انسان است بحسب احوال نشئات دیگر که غایت خلقت، وصول به آنست و این قسمت همان است که جناب ختمی مرتبت (ص) «علم» دانسته و آن را به سه قسمت تقسیم فرمودند. دوم آنکه ضرر میرساند به حال انسان و او را از وظایف لازمه خود منصرف میکند و این قسم، از علوم مذمومه است که نباید انسان پیرامون آنها گردد؛ مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن. سوم آنکه ضرر و نفعی ندارد؛ مثل آنکه فضول اوقات را انسان بواسطه تفریح، صرف بعضی از آنها کند، مثل حساب و هندسه و هیئت و امثال آن و این قسمت از علوم را اگر انسان بتواند تطبیق با یکی از علوم ثلاثه نماید خیلی بهتر است و الا حتی الامکان اشتغال پیدا نکردن به آنها بهتر است؛ زیرا که انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه، وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمیتواند جامع جمیع علوم و حائز همه فضایل شود، باید فکر کند که در علوم کدامیک به حال او نافعتر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید.^{۲۶}

البته بنظر امام (ره) در بین علوم آنچه به حال حیات ابدی و زندگانی جاویدان انسان نافع است، بهتر از همه است و مهمتر از جمیع آنهاست و آن علمی است که انبیاء (ع) و اولیا به آن امر نمودند و ترغیب به آن کردند و آن عبارت از علوم سه گانه است.^{۲۷} دیدگاه امام (ره) در جدول ذیل ارائه شده است.

۲۵. همان، ص ۳۹۲-۳۹۳.

۲۶. همان، ص ۳۹۶.

۲۷. همان، ص ۳۹۷.

جدول طبقات علوم و دانشها از نگاه امام خمینی(ره)

علوم غیرنافع برای انسان	علوم نافع برای انسان		
<p>علمی که به انسان ضرر میرساند و او را از وظایف لازمه خود منصرف می‌کند؛ مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن.</p>	<p>معادل حدیثی</p>	<p>علوم مربوط به هر نشئه</p>	<p>عوالم، نشئات و مقامات انسان بطور اجمال و کلی</p>
<p>علمی که ضرر و نفعی ندارد.</p>	<p>«آیهٔ محکمه» عبارتست از علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه.</p>	<p>علم به ذات مقدّس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال، علم به عوالم غیبیه تجرّدیّه، علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها، علم به کتب منزله و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح، و علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت.</p>	<p>نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل</p>
	<p>«فریضةٔ عادلّه» عبارتست از علم اخلاق و تصفیهٔ قلوب.</p>	<p>علم به محاسن اخلاق و علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها، علم به قبایح اخلاق و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزّه از آنها</p>	<p>نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال</p>
	<p>«سنّت قائمه» عبارتست از علم ظاهر و علوم آداب قالیه.</p>	<p>علم فقه و مبادی آن، و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن</p>	<p>نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت</p>

نقد طبقه‌بندی شیخ اشراق

میشود. بوسیله آن نور کشف حقایق میشود تا آنکه معرفت حقیقی به ذات و اسماء و صفات و افعال و حکمت آنها و پیدا شود. چون این تقسیم را ملاصدرا پسندیده، در شرح این حدیث که اکنون مورد بحث ماست فرموده است:

ظاهر اینست که این تقسیم و حصر که رسول اکرم (ص) فرموده‌اند، راجع به علوم معاملات باشد؛ زیرا این علوم است که اکثر مردم از آن منتفع میشوند. و اما علوم مکاشفات در عده

از نظر حضرت امام (ره) بر طالب مسافرت آخرت و صراط مستقیم انسانیت لازم است که از هیچیک از کمالات علمی و عملی صرف نظر ننماید و گمان نکند که او را تهذیب خلق یا تحکیم عقاید یا موافقت ظاهر شریعت کفایت میکند. بنابراین این اقدام شیخ اشراق در اول حکمة الاشراق که تقسیماتی راجع به کامل در علم و عمل و کامل در عمل و کامل در علم بوجود آورده و طبق آن کمال

■ از نظر حضرت امام (ره) بر طالب مسافرت آخرت و صراط مستقیم انسانیت لازم است که از هیچیک از کمالات علمی و عملی صرف نظر ننماید و گمان نکند که او را تهذیب خلق یا تحکیم عقاید یا موافقت ظاهر شریعت کفایت میکند. بنابراین این اقدام شیخ اشراق در اول حکمة الاشراق که تقسیماتی راجع به کامل در علم و عمل و کامل در علم و عمل بوجود آورده و طبق آن کمال علمی با نقص در عمل و بعکس ممکن است و اینکه اهل کمال علمی از اهل سعادت و متخلّصان به عالم غیب و تجرّد بوده و مآل آنها ورود در سلک علیّین و روحانیین است، از نظر امام نادرست است.

قلیلی از مردم حاصل شود که از کیمیا عزیزترند؛ چنانکه احادیث کتاب ایمان و کفر که پس از این آید دلالت بر آن دارد.^{۲۹}

بنظر حضرت امام (ره) هم در کلام غزالی اشکال هست و هم در سخن ملاصدرا. اشکال کلام ملاصدرا آنست که غزالی علم «معاملات» را علم به احوال قلب از منجیات، مثل صبر و شکر و خوف و رجا و غیر آن، و از مهلکات، مثل حقد و حسد و غلّ و غشّ و غیر اینها دانسته است. بنابراین طبق سخن غزالی، علوم سه‌گانه که رسول خدا (ص) فرموده از علوم معاملات نمیتواند باشد، مگر یک قسم آن که «فریضه عادلّه» است.

اما اشکال در کلام غزالی دو چیز است: یکی

۲۸. همان، ص ۳۸۸.

۲۹. بنقل از همان، ص ۳۹۴-۳۹۵.

علمی با نقص در عمل و بعکس ممکن است و اینکه اهل کمال علمی از اهل سعادت و متخلّصان به عالم غیب و تجرّد بوده و مآل آنها ورود در سلک علیّین و روحانیین است، از نظر امام نادرست است.^{۲۸}

نقد طبقه‌بندی غزالی و صدرالمتألّهین

حضرت امام (ره) فرموده‌اند که صدرالمتألّهین در شرح اصول کافی از غزالی سخنی نقل کرده است که در آن، غزالی علوم را به علم دنیوی و آخرتی تقسیم کرده و علم فقه را از علوم دنیوی قرار داده و علم آخرت را به علم «مکاشفه» و «معامله» تقسیم کرده است. وی علم معامله را علم به احوال قلوب قرار داده و علم مکاشفه را نوری دانسته که در قلب پس از تطهیر آن از صفات مذموم حاصل

■ بنظر میرسد وقت آن رسیده است که با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه بعنوان مبنای فلسفی علوم در جمهوری اسلامی ایران و طراحی هندسه علوم بر این مبنا، در ادامه و تکمیل کاری که حضرت امام خمینی(ره) انجام داده است، شاهد شکوفایی و رونق بیش از پیش علوم در حوزه و دانشگاه باشیم. همچنین بنظر میرسد طبقه‌بندی علوم از این دیدگاه میتواند مبنای تحولی جدی در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه باشد. توضیح این مطلب مقاله مستقلی را میطلبد ولی به اشاره میگوییم که طبقه‌بندی موجود و مورد عمل در کشور ما، از جهات مختلف و بویژه از نظر مبنای اسلامی دارای ابهامات جدی است و بلکه تأثیر مبنای فلسفی غیراسلامی در آن پررنگ است.

شاهد شکوفایی و رونق بیش از پیش علوم در حوزه و دانشگاه باشیم. همچنین بنظر میرسد طبقه‌بندی علوم از این دیدگاه میتواند مبنای تحولی جدی در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه باشد. توضیح این مطلب مقاله مستقلی را میطلبد ولی به اشاره میگوییم که طبقه‌بندی موجود و مورد عمل در کشور ما، از جهات مختلف و بویژه از نظر مبنای اسلامی دارای ابهامات جدی است و بلکه تأثیر مبنای فلسفی غیراسلامی در آن پررنگ است.

از اینرو شایسته است در نگاه به علوم و تأسیس رشته‌ها، از منظر مفید بودن آنها برای فرد و جامعه غافل نشویم. مفید بودن دانشها برای انسان و جامعه انسانی باعث میشود تا آنها الهی تلقی شوند. ملاک این سودمندی تقویت هر سه مرتبه وجودی انسان است. این مراتب وجودی براساس آنچه در دیدگاه حضرت امام(ره) آمده بود، در سه عرصه قابل ردیابی و شناسایی است: اول ساحت اعتقادات و باورها؛ دوم ساحت فضایل و ردایل اخلاقی؛ سوم ساحت رفتارها. بنابراین هر دانشی که بتواند اعتقاد انسان به خدا را محکمتر کند، ولو این دانش از دانشهای طبیعی باشد، مفید خواهد بود و اگر انسان را از خدا دور کند، مضر خواهد بود.

۳۰. همان، ص ۳۹۵.

آنکه علم فقه را از علوم دنیایی و فقها را از علمای دنیا دانسته، با اینکه این علم از اعز علوم آخرت است و این ناشی است از حب نفس و حب به آن چیزی که به خیال خودش اهل اوست؛ یعنی علم اخلاق بمعنای متعارف رسمی. بهمین جهت وی از سایر علوم، حتی علوم عقلی، انتقاد کرده است. اشکال دیگر آنکه، غزالی مکاشفات را جزو علوم قرار داده و در تقسیمات علوم وارد کرده که این خلاف واقع است. حق آن است که «علوم» را آن دانیم که تحت نظر و فکر و برهان درآید و قدم «فکر» در آن دخیل باشد. مکاشفات و مشاهدات گاهی نتایج علوم حقیقیه است و گاهی نتایج اعمال قلبیه. بالجمله مشاهدات و مکاشفات و تحقق به حقایق اسما و صفات در تقسیمات علوم نباید داخل شوند، بلکه مکاشفه وادی دیگر و علوم وادی دیگرند.^{۳۰}

نتیجه

با توجه به آنچه آمد، بنظر میرسد وقت آن رسیده است که با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه بعنوان مبنای فلسفی علوم در جمهوری اسلامی ایران و طراحی هندسه علوم بر این مبنا، در ادامه و تکمیل کاری که حضرت امام خمینی(ره) انجام داده است،